

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

مقدمات؛ علم؛ موانع کسب علم؛ خرافات

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: باقر اسکندری

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

اگر ایشان در نیت خود صادقند، لطفاً سؤالی را که قرار گذاشته‌ام از ولی عصر (حضرت مهدی) بپرسم را با هر روشی که می‌توانند پیدا کرده و جواب دهند!

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶

برادر گرامی!

به نظر می‌رسد که جناب عالی هنوز کتاب شریف «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی حضرت منصور هاشمی خراسانی را مطالعه نکرده‌اید و از اندیشه، آرمان و گفتمان ایشان اطلاعی ندارید و از این رو، مانند کسی سخن گفته‌اید که ناگاه از آسمان به میانه‌ی میدانی افتاده باشد و نداند که کدام از کدام است! بنابراین، لازم است که به نکات زیر توجه فرمایید:

اولاً صادق بودن کسی در نیت خود، مستلزم آگاهی او از افکار دیگری نیست؛ چراکه مسلماً بسیاری از مردم در نیت خود صادق‌اند، ولی از افکار دیگران آگاهی ندارند و با این وصف، تعیین چنین معیاری برای شناخت صدق نیت منصور هاشمی خراسانی، کاری نابخردانه و بی‌معناست.

ثانیاً آگاهی کسی از افکار دیگری، مستلزم صادق بودن او در نیت خود نیست؛ چراکه بسیاری از کاهنان و جادوگران با بهره‌گیری از ترفندهای شیطانی، از افکار دیگران آگاهی می‌یابند و به غیبت‌گویی و پیشگویی می‌پردازند، در حالی که مسلماً نیت صادقی ندارند و تنها در پی فریب و شیادگی‌اند.

ثالثاً اگر در پی علم منصور هاشمی خراسانی به غیب هستید، منصور هاشمی خراسانی مدعی علم به غیب نیست؛ چراکه علم به غیب، تنها برای خداوند است؛ چنانکه فرموده است: ﴿قُلْ

لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ^۱؛ «بگو هیچ کس در آسمان‌ها و زمین جز خداوند غیب را نمی‌داند» و او آن را تنها برای پیامبرانش در موقع ضرورت اظهار می‌کند؛ چنانکه فرموده است: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا ۖ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ^۲﴾؛ «عالم به غیب است، پس غیب خود را برای احدی اظهار نمی‌کند، مگر برای کسی از پیامبرانش که بپسندد» و فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ^۳﴾؛ «و خداوند کسی نیست که شما را بر غیب خود مطلع کند، ولی هر کس از پیامبرانش را که بخواهد بر می‌گزیند». با این وصف، پیامبرانش نیز قاعدتاً عالم به غیب شمرده نمی‌شوند و اصل درباره‌ی آنان عدم علم به غیب است؛ چنانکه فرموده است: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ^۴﴾؛ «بگو من نمی‌گویم که خزائن خداوند نزد من است و یا غیب می‌دانم» و فرموده است: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۚ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ ۚ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^۵﴾؛ «بگو من برای خود سود یا زیانی را مالک نیستم مگر چیزی را که خداوند بخواهد و اگر غیب می‌دانستم بر خیر خود می‌افزودم و به من شری نمی‌رسید! من تنها بیم دهنده و بشارت دهنده‌ای برای گروهی هستم که ایمان می‌آورند». از این جهت، در کتاب خداوند آمده است که یعقوب علیه السلام سال‌ها از یوسف علیه السلام بی‌خبر بود و نمی‌دانست که در کجاست^۶ و لوط علیه السلام فرشتگان خداوند را تا سحرگاه روز بعد نمی‌شناخت و برای آنان از ناحیه‌ی قومش نگران بود^۷ و ایوب علیه السلام آگاهی نداشت که همسرش مرتکب فحشا نشده است، تا حدی که قسم خورد او را صد تازیانه بزند^۸ و سلیمان علیه السلام مطلع نبود که هدهد کجاست و در سرزمین سبا چه خبر است، تا آن‌گاه که هدهد آمد و او را مطلع ساخت و البته باز هم اطمینان نیافت^۹ و برترین پیامبران محمد صلی الله علیه و آله و سلم برخی منافقان را نمی‌شناخت؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ ۚ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ ۖ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ^{۱۰}﴾؛ «و از بادیه‌نشینانی که پیرامون شما هستند و نیز از اهل مدینه منافقانی هستند که بر نفاق پای

۱. النمل / ۶۵

۲. الجن / ۲۶ و ۲۷

۳. آل عمران / ۱۷۹

۴. الأنعام / ۵۰

۵. الأعراف / ۱۸۸

۶. یوسف / ۸۴-۸۸

۷. هود / ۷۷

۸. ص / ۴۴

۹. النمل / ۲۰-۲۷

۱۰. التوبة / ۱۰۱

فشردند، تو آنان را نمی‌شناسی، ما آنان را می‌شناسیم» و با این وصف، روشن است که همه‌ی این بزرگواران در نیت خود صادق بودند، بلکه صبح و شام به آنان وحی می‌شد! این در حالی است که منصور هاشمی خراسانی، پیامبر نیست؛ همچنانکه کاهن یا جادوگر نیست، بل بشری مانند شما و عالمی از عالمان دین است که با حجت‌ها و براهین عقلی و شرعی، به سوی اسلام خالص و کامل دعوت می‌کند و برای ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین زمینه‌سازی می‌فرماید و آمده است تا از اندیشه‌های نادرست شما خبر بدهد و نیامده است که از اندیشه‌های پنهان شما خبر بدهد؛ چراکه شما خود از اندیشه‌های پنهانتان آگاهی دارید، ولی از اندیشه‌های نادرستتان ناآگاهید و شایسته است که درباره‌ی آن‌ها آگاهی داده شوید!

از اینجا دانسته می‌شود، ذهنیت شما درباره‌ی منصور هاشمی خراسانی به تبع ذهنیت شما درباره‌ی مهدی علیه السلام، ذهنیتی خرافی و عامیانه است که از تبلیغات خرافی و عامیانه‌ی مدعیان علم و بیگانگان از آن در جامعه‌ی شما نشأت گرفته است؛ زیرا این عالمان جاهل که در هر مسجد و محفلی کمین کرده‌اند، به یاری مداحان یاوه‌گو که در هر کوی و برزی موضع گرفته‌اند، دست کم از دوران صفویان تاکنون، اوهام را جایگزین عقلانیت و خرافات را جایگزین واقعیت ساخته‌اند و تصویری خیالی و اساطیری از پیشوایان دین ارائه داده‌اند که مانند ویروسی مسموم کننده در میان همگنان شما شیوع یافته و ذهن‌هاتان را تماماً بیمار کرده است؛ تا جایی که احساسات را مبنای دیانت خود ساخته‌اید و در امواج شعرها و شعارها غوطه‌ورید؛ غافل از آنکه اسلام دین عقلانیت و واقع‌گرایی است و به هیچ روی از آرزوهای شما تبعیت نمی‌کند؛ چنانکه فرموده است: ﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلُ الْكِتَابِ﴾^۱؛ «به آرزوهای شما و به آرزوهای اهل کتاب نیست». از این روست که حق را تابع خواهش‌های خود ساخته‌اید و برای شناخت آن، هر معیاری که می‌خواهید می‌گذارید؛ غافل از آنکه حق تابع خواهش‌های شما نیست؛ چراکه اگر تابع خواهش‌های شما باشد، آسمان و زمین به ویرانی کشیده می‌شود؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ﴾^۲؛ «و اگر حق از خواهش‌های آنان پیروی کند، آسمان‌ها و زمین و هر کس در آن است فاسد می‌شود».

آری، بی‌گمان چیزی که صادق بودن منصور هاشمی خراسانی در نیت خود را آشکار می‌سازد، مطابقت اندیشه‌ها، آموزه‌ها و آرمان‌های او با خواهش‌های شما نیست، بل مطابقت آن‌ها با کتاب خداوند و سنت متواتر پیامبر او صلی الله علیه و آله و سلم و حکم روشن عقل است که در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» به روشنی متجلی است. فارغ از آنکه صادق بودن این بزرگوار در نیتش، در واقع به شما مربوط نمی‌شود و چیزی که به شما مربوط می‌شود، مطابقت دعوت او با

۱. النساء / ۱۲۳

۲. المؤمنون / ۷۱

اسلام است؛ چراکه اگر دعوت او با اسلام مطابق باشد، اجابت آن بر شما واجب است، اگر چه او خود در نیتش صادق نباشد؛ چراکه شما با اجابت دعوت او، در واقع اسلام را اجابت می کنید نه شخص او را و گناه او در صورت فقدان صدق نیت، بر عهده‌ی خود او خواهد بود؛ چنانکه خداوند درباره‌ی پیامبرش فرموده است: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾^۱؛ «بگو از خداوند و از پیامبر اطاعت کنید، پس اگر روی گرفتند جز این نیست که پیامبر مسؤول عمل خودش و شما مسؤول عمل خودتان هستید و اگر از او اطاعت کنید هدایت می یابید و بر عهده‌ی پیامبر کاری جز ابلاغ روشن نیست».

در پایان، جناب عالی را به مطالعه‌ی کتاب شریف «بازگشت به اسلام» مبحث «خرافه‌گرایی در مسلمانان اهل تشیع»^۲ که به تبیین عوامل، ابعاد و آثار این قبیل رویکردهای نادرست می پردازد، دعوت می کنیم.

خداوند به همه‌ی مسلمانان خصوصاً اهل تشیع، توفیق معرفت دینی بر پایه‌ی عقلانیت و واقع‌گرایی و دوری از اهواء و اوهام بی بنیاد را ارزانی دارد تا با ذهنیت‌های عامیانه و خرافاتی خود و شرط نهادن‌های باطل برای حق، ظهور را برای مهدی علیه السلام دشوارتر نسازند و بدبختی و بی چارگی خود را بیش از این به درازا نکشاند. به راستی جان به گلو و کارد به استخوان رسید، ولی شرایط برای ظهور مهدی علیه السلام فراهم نشد؛ چراکه بیشتر مسلمانان، حق را تابع خود می خواهند و خود را تابع حق نمی خواهند و از معرفت و تمییز بیگانه اند!



تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶

نویسنده: باقر اسکندری

نقد فرعی ۱

برادر گرامی حق بدهید که در این عالم وانفساه و نیز با این تربیت‌های نامناسب مبلّغین سوالات ما نیز ناموزون باشد. البته ان شاء الله از خطاهای ما در می گذرید.

بنده دانشجوی تحصیلات تکمیلی الهیات و دبیر دینی هستم، با این وصف از خودم و سؤال قبلی بنده، شما می‌توانید وضع علمی و معرفت دینی جامعه را بسنجید.

۱ - پس از اینکه کتاب ایشان را خواندم و قانع شدم، چه همراهی از بنده حقیر برای زمینه‌سازی قیام بر می‌آید؟

۲ - از کجا تشخیص دهم که آینده‌ی قیام ایشان نیز همانند برخی انقلاب‌های اسلامی دیگر نشود و نیات و زحمات پاک مردم تبدیل به تأسیس حکومت غیر معصوم نگردد؟

۳ - اصلاً با کسی که او را ندیده‌ام (جناب خراسانی) چگونه هم نوا شوم؟

۴ - آیا کمکی نیز به نشر آثار جناب خراسانی توسط بنده می‌نمایید؟

بسیار متشکرم که به سؤالات زود جواب می‌دهید.

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۱/۱۷

پاسخ به نقد فرعی ۱

برادر ارجمند!

جناب‌عالی از معدود نخبگانی هستید که روحیه‌ی حق‌طلبی و آزاداندیشی خود را در بحبوحه‌ی شبهه‌ها و فتنه‌های آخر الزمان حفظ کرده‌اند و ذهن خود را به اسارت کامل جهل و تقلید و اهواء نفسانی و دنیاگرایی و تعصب و تکبر و خرافه‌گرایی در نیاورده‌اند و با این وصف، اگر یک پایشان بلغزد، پای دیگرشان ثابت می‌ماند تا سقوط نکنند. بی‌گمان کسانی مانند شما، سرمایه‌های این دین و پشتوانه‌های ظهور مهدی هستند و اگر کسانی مانند شما نباشند که حق را پس از آشکار شدن بپذیرند و باطل را پس از رسوا شدن واگذارند، عذاب خداوند فرود می‌آید.

اما درباره‌ی پرسش‌های خود، لطفاً به توضیحات زیر توجه فرمایید:

اولاً خداوند تکلیف انسان نسبت به حق را در یک سوره از کتاب خود، به طور کامل روشن کرده و فرموده است: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛ «به نام خداوند بخشناخته‌ی مهربان؛ سوگند به عصر؛ هرآینه انسان در زیان است؛ مگر کسانی که ایمان آورند و عمل صالح کنند و به حق توصیه نمایند و به صبر توصیه نمایند». این به آن معناست که هر انسانی نسبت به حق، چهار تکلیف دارد: یکی آنکه از حیث نظری، آن را بشناسد و پذیرا گردد و این «ایمان» شمرده می‌شود که تکلیفی فردی است؛ دو دیگر آنکه از حیث عملی، به آن پایبند گردد و عینیت بخشد و این «عمل صالح» شمرده می‌شود که تکلیفی فردی است؛ سه دیگر آنکه از

حیث نظری دیگران را به «ایمان» یعنی شناخت حق و پذیرش آن دعوت کند و این «تواصی به حق» شمرده می‌شود که تکلیفی اجتماعی است؛ چهار دیگر آنکه از حیث عملی دیگران را به «عمل صالح» یعنی پایبندی به حق و عینیت بخشیدن به آن دعوت کند و این «تواصی به صبر» شمرده می‌شود که تکلیفی اجتماعی است. به این ترتیب، تکلیف فردی و اجتماعی جناب‌عالی و سایر مسلمانان جهان بنا بر کتاب خداوند این است که دعوت حق منصور هاشمی خراسانی به «اسلام خالص و کامل» و «تحقق حاکمیت خداوند بر زمین» را نخست با تلمذ در مکتب این عالم مصلح و مبارز بشناسید و از روی بصیرت و اخلاص بپذیرید و سپس در زندگی شخصی خود پیاده کنید و به اطلاع دیگران برسانید، تا رفته رفته به اندیشه، دغدغه و آرمان مسلمانان جهان تبدیل شود و جهان‌بینی طاغوتیان را تحت الشعاع قرار دهد و به تدریج زمینه‌ی ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین و برتری کلمة الله بر کلمه‌ی دیگران را فراهم سازد.

ثانیاً قیاس نهضت منصور هاشمی خراسانی با نهضت‌های گذشتگان، قیاسی مع الفارق و نابجاست؛ چراکه این نهضت بر خلاف نهضت‌های گذشتگان، در بنیادی‌ترین زیرساخت خود، مبتنی بر توحید خداوند در تحکیم به معنای اختصاص حاکمیت به اوست، بلکه ماهیتی جز دعوت به سوی حاکمیت خلیفه‌ی خداوند در زمین ندارد و با این وصف، اجتماع آن با حاکمیت غیر خداوند، مانند اجتماع چیزی با ضدّ خود است که محال است؛ همچنانکه انجامیدن آن به حاکمیت غیر خلیفه‌ی خداوند در زمین، انجامیدن آن به چیزی است که مقتضی آن نیست و با این وصف، یا این نهضت به تحقق حاکمیت خلیفه‌ی خداوند در زمین می‌انجامد و یا کلاً نابود می‌شود و در هر حال، انجامیدن آن به حاکمیت غیر خلیفه‌ی خداوند در زمین ممکن نیست. این به آن معناست که منصور هاشمی خراسانی و یاران او، یا به آرمان مقدّس خود با تحقق حاکمیت مهدی دست می‌یابند و یا مانند حسین بن علی و یارانش در کربلا، تا آخرین نفر خود به شهادت می‌رسند.

ثالثاً اگر شما منصور هاشمی خراسانی را نمی‌بینید، مهدی علیه السلام را نیز نمی‌بینید، ولی این شما را از «هم‌نوا شدن» با آن حضرت باز نمی‌دارد؛ همچنانکه پیامبر خداوند صلی الله علیه و آله و سلم را نیز نمی‌بینید، ولی با این حال بر دین او زندگی می‌کنید و ان شاء الله بر دین او می‌میرید؛ چراکه کتاب او در دسترس شماست و آموزه‌های او به شما رسیده است و همین برای پیروی شما از او کفایت می‌کند. آگاه باشید که اختفای منصور هاشمی خراسانی، نتیجه‌ی شرایط نامساعدی است که در حال حاضر وجود دارد و با تغییر این شرایط قابل تغییر است ان شاء الله.

رابعاً ما به کمک شما برای نشر آثار ایشان نیازمندتریم تا شما به کمک ما و با این وصف، از شما دعوت به عمل می‌آوریم که کتاب شریف «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی این عالم مصلح

و مبارز را به خانواده، دوستان، آشنایان، همسایگان، همکاران خود و سایر مسلمانان جهان خصوصاً از اهل زبانتان معرفی کنید و با بهره‌گیری از دانش خود و شرح‌های آن در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایشان، برای آنان تبیین فرمایید و از آنان بخواهید که برای رضای خداوند و تعجیل در ظهور آقایان مهدی علیه السلام به نهضت «بازگشت به اسلام خالص و کامل» ملحق شوند و به حکم **﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾**^۱؛ «یکدیگر را در نیکی و پرهیزکاری یاری رسانید»، منصور هاشمی خراسانی را در زمینه‌سازی برای حکومت خداوند بر روی زمین یاری رسانند؛ زیرا هر یک از آنان، به تنهایی خشتی خواهد بود که بر روی خشت دیگر قرار خواهد گرفت و با معماری این عالم ربّانی، بنیان فرج را خواهد ساخت: **﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾**^۲؛ «و یاری جز از جانب خداوند عزّتمند حکیم نیست».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
بجایگاه پیرایه‌ها



۱. المائدة / ۲

۲. آل عمران / ۱۲۶